

تحریم اقتصادی ایران، ناقض روح صلح و همگرایی بین‌المللی^۱

محمد عالی دوست^۱، مسعود راعی^۲، علیرضا آرش‌پور^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

mohammad_alidost@yahoo.com

۲. استاد، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول). masoudraei@gmail.com

۳. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. A.arashpour@Ase.ui.ac.ir

چکیده

توسعه همگرایی بین‌المللی نیاز به اعمال روش‌هایی هدفمند جهت تحقق صلح و امنیت پایدار را ببار آورده و از سوی دیگر ضرورت پیمایش روش‌های جدید جهت تضمین عدالت اقتصادی را مطرح می‌سازد. با اینحال امروزه شاهد اعمال تحریم‌های اقتصادی می‌باشیم که با تمامی این ضرورت‌ها در تضاد آشکار قرار دارد. طبیعتاً این سوال اساسی مطرح می‌شود که آیا تحریم‌های اقتصادی با آثاری که به همراه دارد می‌تواند در تراز یک اقدام تروریستی تعریف گردد؟ و یا صرفاً اقدامی است در راستای اعمال حاکمیت و یا سوء استفاده از حق؟ این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی تنظیم گردیده است بر این ادعا استوار است که اصولاً آثار مخرب ناشی از تحریم‌های یکجانبه بین‌المللی از یک طرف به دلیل ایجاد وحشت و تزلزل فراگیر اجتماعی و هم به دلیل در بر گرفتن فاکتورهای یک رفتار نوعاً مخرب برگرفته از عدم حسن نیت در روابط بین‌الملل بایستی به عنوان یک اقدام مبتنی بر تروریسم اقتصادی مورد شناسایی قرار بگیرد. براین اساس می‌توان ادعا کرد که تحریم‌های یکجانبه اقتصادی ناقض صلح و امنیت اقتصادی است و از سوی دیگر روح همگرایی جهت حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی را با چالش جدی روبه رو ساخته است.

واژه‌های کلیدی: صلح، امنیت پایدار، حسن نیت، روابط بین‌الملل، تروریسم اقتصادی.

مقدمه

با در نظر گرفتن ناهنجاری‌های مختلف در عرصه روابط بین‌المللی دولت‌ها و بروز بحران‌های اقتصادی، امنیتی، تنش‌های سیاسی و گسترش فعالیت‌های تروریستی که پایداری در صلح و امنیت مشترک جهانی را هدف قرارداده است، می‌توان دریافت که مقابله دولت‌ها با تهدیدات موجود نیز در عرصه مناسبات بین‌المللی از روش‌های نوعا کلاسیک فاصله گرفته و در قالب اعمال قدرت از طریق روش‌های جدید ظهور پیدا کرده است. به نحوی که اگر در گذشته جنگ و مخاصمات مصلحانه تنها نمود بارز از اعمال فشار بر علیه یک دولت در نظر گرفته می‌شده است، امروزه شاهد آن هستیم که تحریم‌های اقتصادی غیرقانونی و بعضا ناعادلانه با شعار اعمال فشار غیرمصلحانه توسط قدرت‌ها بر علیه کشورهای کمتر برخوردار و همچنین طرح استراتژی‌های جدید که انحصار در تجارت و اقتصاد را فراهم آورده است، نوع جدیدی از مقابله را معرفی نموده است. اگرچه تحریم‌های یکجانبه دولت‌ها در قالب همگرایی بین‌المللی جهت اعمال روش‌های صلح طلبانه اعمال فشار بر دیگری معرفی می‌شود، اما ابعاد این روش چنان گسترده است که می‌توان آثار مخرب آن بر زیست اجتماعی و پایداری در ثبات ارزش‌های انسانی را مشاهده نمود. در بحث این ارتباط، این مساله کمتر مورد بررسی قرار گرفته است که اگر مفهوم اعمال تحریم‌های غیرقانونی بین‌المللی بر علیه یک دولت را با هدف اجرای روش‌های مسالمت‌آمیز در نظر بگیریم، اعمال تحریم‌ها را در قالب فرایند یکجانبه‌گرایی^۱ اقتصادی چگونه می‌توان توجیه نمود و از طرف دیگر مسولیت نتایج مخرب این مسیر مانند کاهش میزان سرمایه‌گذاری خارجی را می‌توان ارزیابی کرد. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دلایل عدم توجه به آثار مخرب تحریم‌های غیر قانونی و نامشروع بر تضمین تحقق صلح و ثبات اقتصاد بین‌الملل، جنبه غیرمخاصماتی تحریم‌هاست که منجر به فراموش کردن آثار بلندمدت و دامنه دار این عمل بر ثبات ارزش‌های حقوقی بین‌المللی شده است. تک بعد نگری در مدل‌های اعمال فشار در نظم نوین جهانی و رویکرد منفعت طلبانه در تنظیم معیارهای منافع ملی^۲ دولت‌ها منجر به بروز تهدیدهای نامشهود بر علیه ثبات در زیست بین‌المللی کشورها شده است. بر این اساس ارزیابی تاثیر روش‌های نامتعارف در اعمال فشار علیه دولت‌ها توسط قدرت‌های جهانی یک ضرورت غیرقابل انکار است که

¹ Unilateralism

² National Interest

می‌تواند از بروز تبعات مخرب بعدی جلوگیری نماید. اگر تروریسم سازمان یافته مصلحانه را به عنوان یک روش اعمال فشار نامشروع بر دولت‌ها در نظر بگیریم، نامشروع بودن تحریم‌های بین‌المللی نیز می‌تواند نوعی تروریسم اقتصادی - اجتماعی به حساب آید. بر این اساس جنبه نوآورانه تحقیق حاضر بر تجزیه مولفه‌های تحریم‌های عادلانه و غیرعادلانه با تکیه بر معیار مشروعیت استوار است که این خود می‌تواند به درک مناسب از تحریم‌های نامشروع که به تروریسم اقتصادی نزدیک است منجر شده و بر اساس آن درک مناسبی جهت اعمال فشار و برخورد غیرمصلحانه در عرصه بین‌المللی با تاکید بر اصل رعایت انصاف و همزیستی مسالمت‌آمیز، تضمین نماید. باید دانست که تحقق صلح و پایداری در نظم نوین اقتصادی به عنوان دو هدف مهم پیش روی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مطرح می‌شود که همواره در اسناد و معاهدات بین‌المللی مد نظر قرار گرفته است. از این رو برای آغاز بحث لازم است که ابتدا برداشتمان از مفهوم یکجانبه‌گرایی و سیر تحول آن در عرصه روابط بین‌المللی روشن شود. سپس با توجه به ماده ۴۱ از فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد که به بیان روش‌های غیرمصلحانه در مواجهه با اعمال فشارهای بین‌المللی تاکید دارد این پرسش مطرح می‌گردد که معیار اعمال تحریم‌های نامشروع اقتصادی و بین‌المللی چیست و از طرف دیگر ایجاد مناطق اقتصادی ویژه و طرح همگرایی‌های منطقه‌ای دولتی در چه تاثیری در توسعه یکجانبه‌گرایی اقتصادی مبتنی بر فرایند تحریم به همراه دارد. توجه به این نکته ضروری است که تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی بر علیه کشورهای ناقض صلح و امنیت بین‌الملل از دو فرض تشکیل می‌شود: فرض اول آنکه تحریم‌ها در قالب مشروع و قانونی تنظیم و اعمال شوند. که در این صورت تحریم‌های بین‌المللی که قاندا تا از رهگذر قطعنامه‌های حقوقی شورای امنیت سازمان ملل متحد ایجاد می‌شوند جنبه مشروع داشته و نمی‌توان نسبت به آنها برداشت یکجانبه‌گرایی را بار نمود. فرض دوم آنکه تحریم‌های بین‌المللی به صورت غیرعادلانه و نامشروع مبتنی بر یکجانبه‌گرایی بین‌المللی قدرتهای جهانی بر علیه کشور یا کشورهای هدف تنظیم و اعمال گردند که این خود مصداق بارزی از مفهوم تروریسم اقتصادی است که با هدف تضعیف و ایجاد بی‌ثباتی اجتماعی و بقای امنیت کشور هدف تهیه و تنظیم می‌شوند. این تحقیق مبتنی بر تحلیل مفاهیم کاربردی و بررسی اسناد و مولفه‌های علمی مبتنی بر رویکرد زمینه‌ای تنظیم و تدوین شده است. بر این اساس روش بکار رفته در مسیر تحلیل مباحث با تکیه بر دست آوردهای پژوهشی جهت دست یافتن به مولفه‌های کارکردگرا در مناسبات اقتصادی سیاسی طبقه بندی شده و با تاکید بر امکان بهره مندی در پژوهش‌های آینده در حوزه مطالعات حقوق بین‌الملل

مبتنی بر استدلال استقرایی^۱ صورت پذیرفته است تا از رهگذر آن زمینه برای انعکاس آثار و نتایج تحریم‌های بین‌المللی اقتصادی فراهم آید. با در نظر گرفتن ضرورت بروزرسانی روش‌ها و اقدامات پیشگیرانه در مواجهه با تحریم‌های بین‌المللی و یکجانبه‌گرایی سیاسی در مناسبات حقوقی بین‌الملل، تدوین و پردازش مفاهیم با تاکید بر مولفه‌های کثرت‌گرا در پژوهش‌های مربوط به حوزه مطالعات امنیت بین‌الملل صورت پذیرفته است. با در نظر گرفتن پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحریم‌های اقتصادی، جنبه نوآورانه تحقیق حاضر از این منظر قابل توجه است که نتایج تحریم‌های غیرقانونی در قالب مفهوم تروریسم اقتصادی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که خود نظم و همگرایی بین‌المللی را نقض و آثار بلند مدت و مخرب بر پیکره امنیت بین‌الملل به همراه خواهد داشت.

۱. یکجانبه‌گرایی اقتصادی و انواع آن

مطابق تعریف ارائه شده توسط اریک سوی (۱۹۶۲)، یک عمل یک‌جانبه دارای سه ویژگی دقیق است: اول، توسط یک موضوع حقوقی انجام می‌شود. دوم، چنین اقدامی مستقل بوده و به هیچ عمل دیگری وابسته نیست. و سرانجام، این عمل نباید موجب تعهدات مربوط به کشورهای ثالث شود. بنابراین، اقدامات یک‌جانبه لزوماً باید مستقل از هرگونه تعهدی باشد که از چارچوب دوجانبه یا چندجانبه ناشی می‌شود. کمیسیون حقوق بین‌الملل (۲۰۰۶) در تدوین اصول راهنمای قابل اعمال در اقدامات یک‌جانبه از همین مفهوم‌سازی پیروی کرده است. اقدامات یک‌جانبه بر اساس اصل حسن نیت برای دولت نویسنده الزام‌آور تلقی می‌شود. اقدامات یک‌جانبه اغلب در حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی به طور وسیع‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد به ویژه هنگامی که کشورهای میزبان، حقوق و حمایت‌هایی را برای سرمایه‌گذاران خارجی ارائه می‌دهند. در این مسیر نایستی از اهمیت ثبات اقتصادی قافل شد. زیرا تحقق ثبات اقتصادی داخلی و بین‌المللی نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق توسعه فراگیر اقتصادی در قرن حاضر دارد. یکی از مهمترین عوامل موثر بر رشد اقتصادی، ثبات اقتصاد کلان است، به نحویکه امروزه اقتصاددانان پذیرفته‌اند که ثبات اقتصادی یک شرط لازم برای رشد اقتصادی بالاست و بی‌ثباتی اقتصادی یکی از عوامل مهمی است که افق‌های رشد اقتصادی را محدود می‌سازد (دهقان منشادی و

^۱. Inductive Reasoning

پوررحیم، ۱۳۹۲). مهمترین ویژگی‌های ثبات اقتصادی در سطح کلان را می‌توان ثبات قوانین، مقررات و تصمیم‌گیری‌های بخش‌های اقتصادی، ثبات باورها و ارزش‌هایی که موردقبول جامعه هستند، رشد تولید ملی در سطحی متناسب با توسعه کشور، ثبات قیمت‌ها، تثبیت اشتغال، ثبات بازار ارز و تراز بودجه دانست (خلیلیان اشکذری، ۱۳۹۵). اگرچه که چندجانبه‌گرایی (و همچنین "مشروطه‌سازی" حقوق بین‌الملل) منجر به واکنش شدید علیه جهانی‌شدن قانونی (و در نتیجه، سیاست تجارت بین‌المللی) شده است اما باید دانست که مفهوم یکجانبه‌گرایی اقتصادی در گستره حقوق بین‌الملل اقتصادی چگونه طبقه‌بندی می‌شود. در فرایند مفهوم‌شناسی یکجانبه‌گرایی اقتصادی چهار شکل از یکجانبه‌گرایی مطرح است: یکجانبه‌گرایی کلاسیک؛ یکجانبه‌گرایی نهفته؛ یکجانبه‌گرایی پایدار و یکجانبه‌گرایی امنیت ملی.

۱-۱ یکجانبه‌گرایی کلاسیک

تجارت بین‌الملل همواره به عنوان یکی از زمینه‌های مهم در تحقق روابط متقابل بین‌المللی مطرح بوده و در قرن حاضر نیز با گسترش تکنولوژی و توسعه مبادلات خارجی بین دولت - ملت‌ها اهمیت آن نیز افزایش یافته است. آنچه که به عنوان یک تهدید مسیر تحقق اهداف ثبات اقتصادی و امنیت تجارت بین‌الملل را تضعیف می‌کند، تحقق رویکردهایی است که متغیرهای موثر بر روند همگرایی بین‌المللی را مخدوش ساخته و آنرا دستخوش بحران می‌نماید. این مسیر در گذشته نیز به عنوان یک عامل مهم در مسیر کاهش رشد اقتصاد جهانی مد نظر بوده است. بر اثر ناامنی اقتصادی حجم اقتصاد زیرزمینی افزایش یافته و سرمایه‌گذاری در اقتصاد کاهش می‌یابد که این پدیده بر پایه‌های مالیاتی اثر منفی دارد و باعث کاهش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود (سلمانی، و دیگران اباد، ۱۳۹۳). بر این اساس در ابتدا حقوق تجارت بین‌الملل به عنوان رشته‌ای مستقل در قالب آزادسازی یکجانبه فعالیت‌های تجاری مبتنی بر سیاست تجاری امپراتوری بریتانیا آغاز شد. (Bairoch, 1989, p1815) در نیمه اول قرن ۱۸، سیاست تجاری در بریتانیا عمدتاً مرکانتیلیستی بود. تغییر از سیاست تجاری مرکانتیلیست به لیبرال در سال ۱۷۶۰ با ظهور فیزیوکراسی در فرانسه و ایده‌های اقتصادی لیبرال آدام اسمیت و جان‌شینان وی آغاز شد (LaHaye, 2020) به دنبال نظریه تجارت کلاسیک، امپراتوری بریتانیا به طور یکجانبه مرزهای خود را برای این کشور باز کرد. جالب‌ترین مطالعه موردی در مورد بازشدن تجارت یک

طرفه به ما نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از وقایع باعث آن شده بود که "قوانین ذرت" لغو شوند. قوانین ذرت مجموعه‌ای از تعرفه‌ها و محدودیت‌های تجاری برای مواد غذایی و غلات وارداتی بود که بین ۱۸۱۵ تا ۱۸۴۶ در بریتانیا اعمال شد. قوانین ذرت، نمونه‌ای از سیاست‌های تجاری مرکانتیلیست انگلیس، با هدف بالا نگه داشتن قیمت غلات به نفع تولیدکنندگان داخلی انجام شد. آنها با جلوگیری از واردات غلات ارزان قیمت، در ابتدا با ممنوعیت واردات زیر قیمت تعیین شده، به این مهم دست یافتند و بعداً وضع عوارض شدید وارداتی، واردات غلات از خارج از کشور را بسیار گران می‌کند، حتی اگر منابع غذایی کم باشد. همچنین در سال ۱۸۴۲، نخست وزیر وقت، روبرت پیل، اصلاحات تعرفه‌ای لیبرال را اعمال کرد که عوارض گندم وارداتی را به شدت کاهش داد و ممنوعیت واردات گاو را نیز لغو نمود. (Lawson, 1960) بر این اساس یکجانبه‌گرایی کلاسیک ابتدا از دولت بریتانیا آغاز و در این مسیر حقوق تجارت بین‌الملل به عنوان یک بستر مناسب برای اعمال آن مورد بهره برداری قرار گرفت.

۲-۱ یکجانبه‌گرایی نهفته^۱

الگوی متفاوتی از یکجانبه‌گرایی در دوران پس از جنگ جهانی دوم ظاهر شد. آنچه جان راگی آن را «لیبرالیسم تعبیه شده» نامید، مفهومی بود که سازش اقتصاد سیاسی دوران پس از جنگ را به نمایش می‌گذارد، به طوری که ترویج تجارت آزاد با برخی اختیارات به دولت‌ها برای اتخاذ اقدامات حمایتی همراه بود. (Gerard Ruggie, 1982) در حالی که "نهفتگی" و "لیبرالیسم" را می‌توان به عنوان دو مفهوم متضاد در نظر گرفت، اما در توجیه توسعه اقتصادی مبتنی بر ساختار بازار آزاد، یکجانبه‌گرایی نهفته در قالب فرایند لیبرالیسم توسعه پیدا نمود تا بخش خصوصی بتواند در فرایند یکجانبه‌گرایی با قالبی حقوقی و مشروع به کار خود ادامه بدهد. (Robert Howse, 2002, p113) یکجانبه‌گرایی نهفته در توسعه اقتصاد سیاسی در روابط بین‌الملل از طریق توسعه سازوکارهای سازمان تجارت جهانی^۲ بیش از پیش توسعه پیدا نموده است. بدین معنی که هر قدر سازمان تجارت جهانی سعی در

¹ Embedded unilateralism

² World Trade Organization

یکسان‌سازی مقررات تجارت در عرصه بین‌المللی داشته است، نوعی مقاومت در بنگاه‌های اقتصادی جهت ایجاد ایجاد تسلط موثر بر زنجیره تجارت را به همراه داشته است. در اینجا اندرو لانگ پیشنهاد می‌کند که لیبرالیسم نهفته را نه تنها نباید به عنوان محدودکننده مسیر تجارت در نظر گرفت، بلکه حفظ تعادل مناسب بین تجارت آزاد و حفاظت از "اهداف اجتماعی" و آسانی در رژیم تجارت بین‌الملل را بایستی دست آوردهای فرایند لیبرالیسم نهفته دانست. (Lang, 2006) باید دانست به طور کلی، لیبرالیسم نهفته با مکتب لیبرال - ارتدوکس به دلیل حمایت بیشتر این مکتب از سیاست‌های حمایت ملی از اقتصاد، متفاوت است. آنچه که در مکتب لیبرال - ارتدوکس منشا اثر است، حمایت دولت از نهادهای اقتصادی پیشرو است که این خود می‌تواند یکجانبه‌گرایی آشکار را پایه‌ریزی نماید. البته باید دانست که این نوع یکجانبه‌گرایی در حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی تحت نام "نظم جدید اقتصادی بین‌المللی" توسعه یافته است. نظم جدید اقتصادی بین‌المللی بیش‌تر توسط کشورهای درحال توسعه و یا کشورهایی که از بند استعمار خارج شده و به دنبال اعمال استقلال در فرایند توسعه اقتصادی خود گام بر می‌دارند، مورد استناد و اعمال قرار گرفته است.

۳-۱ یکجانبه‌گرایی پایدار^۱

ایده یکجانبه‌گرایی اقتصادی ابتدا در دهه ۱۹۹۰ میلادی در مواجهه با توسعه جهانی شدن اقتصاد به شکل گرفت. هم زمان با توسعه حقوق تجارت بین‌الملل رژیم‌های حقوقی مبتنی بر منافع مشترک بین کشورها تدوین و گسترش یافتند. در این میان به طور هم‌زمان، سازمان تجارت جهانی تا حدی اجازه یکجانبه‌گرایی را نیز صادر می‌کند. به عنوان مثال، استثنائات مندرج در ماده بیستم GATT موارد یک جانبه‌گرایی در حقوق تجارت بین‌الملل مطرح شده است. تعامل بین چندجانبه‌گرایی و یکجانبه‌گرایی در تجارت بین‌الملل عمدتاً در زمینه حفاظت از محیط زیست مورد بررسی قرار گرفته است. مهمترین مسئله‌ای که در این موارد مطرح شده است این است که یک کشور تا چه اندازه می‌تواند اقدامات و استانداردهایی را برای حفاظت از محیط زیست به کشورهای خارجی اعمال کند. یعنی در حقیقت، فرایند حفاظت از محیط زیست می‌تواند توجیحی جهت اعمال سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه در تجارت و

^۱ Sustainability unilateralism

اقتصاد بین‌الملل بین متعاملین در نظر گرفته شود. توسعه حقوق قضایی نشان می‌دهد که سازمان تجارت جهانی به طور تدریجی به سمت موضع احترام بیشتر به سیاست‌های زیست محیطی داخلی و بین‌المللی گام برداشته که این خود مقدمه‌ای بر پذیرش اقدامات یکجانبه‌گرایانه اقتصادی است. بدین ترتیب یکجانبه‌گرایی در تجارت بین‌الملل به تدریج گسترش یافته و جنبه‌های دیگر سیاست اجتماعی مانند کار و حقوق بشر را به طور گسترده‌تر تحت پوشش قرار داده است. بر این اساس تحقق مفهوم یکجانبه‌گرایی پایدار به مناسبات موجود در راستای حفاظت از محیط زیست طبیعی و انسانی باز می‌گردد. (Harris, 2015, p432) یکجانبه‌گرایی پایدار با محوریت حفاظت از محیط زیست طبیعی و انسانی امروزه در فرایند جذب سرمایه‌گذاری خارجی به ویژه در کشورهای قدرتمند در عرصه اقتصادهای موثر، به عنوان فیلتری جهت اعمال فشار و تحریم مورد استفاده قرار می‌گیرد. دقیقاً مانند آنچه که در حوزه بهداشت محصولات غذایی در اتحادیه اروپا مبنای ممانعت از ورود محصولات غذایی خارجی به کشورهای عضو این اتحادیه قرار داده شده است. مهمترین مساله‌ای که در این موارد به آن پرداخته می‌شود این است که یک کشور تا چه حد ممکن است اقدامات و استانداردهایی را برای حفاظت از محیط زیست خود در ارتباط با کشورهای خارجی اعمال کند. توسعه حقوق قضایی نشان می‌دهد که رویکرد سازمان تجارت جهانی به سمت موضع احترام بیشتر به سیاست‌های زیست محیطی داخلی و پذیرش اقدامات زیست محیطی یکجانبه داخلی گرایش پیدا کرده است. این نوع یکجانبه‌گرایی در تجارت بین‌الملل به تدریج گسترش یافته و سایر جنبه‌های سیاست اجتماعی مانند حقوق کار و حقوق بشر را نیز در بر گرفته است و همچنین در حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی نیز شکل مشابهی به خود گرفته است. (L. Beharry, 2015)

بنابراین دولت‌ها در فرایند یکجانبه‌گرایی پایدار با تاکید بر استانداردهای محیط زیستی و ایجاد برنامه‌های استراتژیک جهت تقویت بنیادهای اقتصادی ملی از جریان توسعه تبادلات اقتصادی بین‌المللی فاصله گرفته و بر تقویت توان تولید ملی در مقابل واردات کالا تاکید ورزیده و از معیارهای زیست محیطی برای توجیح سازمات تجارت جهانی استفاده می‌کنند. در حقیقت می‌توان از رویکرد یکجانبه‌گرایی پایدار با عنوان یکجانبه‌گرایی محترمانه نیز یاد کرد زیرا در راستای اعمال تحریم در واردات کالا خارجی توسط کشورهای اتحادیه اروپا مورد بهره برداری قرار گرفته است.

۴-۱ یکجانبه‌گرایی امنیت ملی

تحولات حاصل از تغییر نگرش‌های دولتمردان کشورهای صنعتی جهان در تحقق نوع جدیدی از یکجانبه‌گرایی بین‌المللی تأثیر مستقیم داشته است. تحت سیاست تجارت خارجی دولت ترامپ، جهان شاهد دوره جدیدی از "جنگ‌های تجاری" بوده است. (Anne van Aaken, 2019) دولت ترامپ مجموعه‌ای از تعرفه‌ها را در مقابل بسیاری از شرکای تجاری خود در سازمان تجارت جهانی بدون رعایت فرآیندهای مقرر در (GATT) اعمال کرد. توجیه دولت ترامپ در اعمال چنین تعرفه‌هایی در مقابل هم پیمان‌های اقتصادی بین‌المللی آیالات متحده، حفاظت و حراست از امنیت ملی امریکا بوده است. اولویت قرار دادن امنیت ملی که در ساختار حقوقی بین‌المللی مورد پذیرش جامعه جهانی قرار گرفته است، نوع جدیدی از یکجانبه‌گرایی را به وجود آورده است که البته دولت‌های دیگر نیز به تبعیت از ایالات متحده امریکا به ایجاد یک چنین یکجانبه‌گرایی مبادرت ورزیده‌اند. باید دانست که امروز امنیت ملی از یک بهانه صرفاً فرضی تحت قوانین بین‌المللی به یک تصور گسترده‌ای پیش از اعمال نظر دادگاه‌های سرمایه‌گذاری و نهاد حل اختلاف سازمان تجارت جهانی مبدل شده است. (Lester, 2020) در همین راستا اولین حکم سازمان تجارت جهانی در ارتباط با اختلاف بین روسیه و اکراین در سال ۲۰۱۹ صادر شده است. با این حال، اختلافات بین‌المللی تنها نوک کوه یخ است زیرا بسیاری از قوانین داخلی اخیراً برای تشدید قوانین ورود سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین گسترش زمینه‌های بازبینی مکانیسم‌های غربالگری سرمایه‌گذاری و روشهای مشابه کنترل سرمایه‌گذاری خارجی اصلاح شده است. براین اساس امروزه شاهد اعمال محدودیت در جذب و به کارگیری سرمایه‌گذاری خارجی با توسل به معیار امنیت ملی می‌باشیم. این دلیل در مواجهه با معیارهای اقتصاد بازار آزاد نیز از قدرت بیشتری برخوردار شده است و حتی سازمان تجارت جهانی نیز نتوانسته است این معیار را مهار نماید. با در نظر گرفتن سیر تحول یکجانبه‌گرایی که در بالا به آن اشاره شد می‌توان تأثیر فرایند تاریخی یکجانبه‌گرایی اقتصادی در تحریم‌های بین‌المللی را به دو شکل عمده تقسیم نمود.

حالت اول: تحقق یکجانبه‌گرایی تدافعی.

حالت دوم: تحقق یکجانبه‌گرایی تهاجمی.

آنچه که امروزه در فرایند اعمال تحریم‌های غیرقانونی مشاهده می‌شود، یکجانبه‌گرایی تهاجمی است که در قالب تروریسم اقتصادی هدفمند قابل بررسی است. بنابراین سیر تحول یکجانبه‌گرایی اقتصادی که

در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است، بیانگر انواع سیاست‌هایی است که در نهایت بین دو قطب آزادسازی یک‌جانبه اقتصادی و یک‌جانبه‌گرایی تهاجمی قرار گرفته است. بر همین اساس باید دانست که در حال حاضر امروزه جهانی شدن به عنوان یک مقوله توصیفی و هنجاری به شدت در حقوق بین‌الملل مورد مناقشه است. (Crawford, 2018)

۲. مفهوم شناسی «تحریم»

تحریم‌های اقتصادی امروزه به عنوان یکی از روش‌های اعمال فشار بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود که اغلب در سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بسیاری از کشورها، به ویژه آیالات متحده، از طریق این تحریم‌ها سعی بر اعمال نهادهای یک‌جانبه‌گرایانه در مناسبات بین‌المللی دارند. تحریم‌های اقتصادی را می‌توان محدودیت‌ها بر فعالیت‌های اقتصادی وضع شده تعریف کرد که توسط یک بازیگر بین‌المللی باهدفی خاص بر دیگری اعمال می‌گردد. (Giumelli 2011, p32–35) بازیگران درگیر در فرایند تحریم‌های اقتصادی ممکن است نه تنها شامل کشورهای تحریم‌کننده و مورد هدف، بلکه شامل دولت‌های ثالث، بازیگران غیردولتی (گروه‌های خاص در داخل دولت‌ها، سازمان‌های تروریستی، یا حتی افراد خاصی در بدنه حاکمیت‌ها) شود. در این میان می‌توان کشورهای ثالث یا کشورهایی را که در تحریم‌ها مشارکت ندارند نیز در نظر بگیریم. همچنین کشورها یا نهادهای بین‌المللی که به طور ارادی و یا غیرارادی در فرایند اعمال تحریم‌ها مشارکت می‌نمایند. البته در این مورد اخیر می‌توان تنها اعمال تحریم‌های سازمان ملل متحد را مورد اشاره قرارداد که برای کلیه نهادهای مرتبط با تحریم‌های حاصل از قطعنامه، ایجاد الزام می‌نماید. (Meyer 2009, p906) بر این اساس می‌توان گفت که تحریم‌ها ابزار فشار و اجبار در پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشورها و از شیوه‌های وادارسازی کشور به انجام رفتار سیاسی موردنظر است (آجیلی و مبینی کشه، ۱۳۹۲). پیامد تحریم‌ها به عوامل مختلفی از جمله روش اعمال تحریم‌ها، اهداف مورد نظر از تحریم‌ها و شدت و اهمیت آنها بستگی دارد. تحریم‌های اقتصادی در مرحله نخست منجر به کاهش واردات محصولات بهداشتی و دارویی می‌شود و در نتیجه دسترسی شهروندان به این کالاهای اساسی کاهش می‌یابد که این مساله بیش از همه، جمعیت آسیب پذیر به خصوص زنان، کودکان و سالمندان را تحت تاثیر قرار می‌دهد (گارفیلد و همکاران، ۱۹۹۵ و چراغعلی، ۲۰۱۳). بر همین اساس بر سر مناقشه حاکمیت ارضی اوکراین،

بین روسیه و غرب اعمال تحریم‌ها می‌تواند منجر به رشد اقتصاد در سایه گردد. (Romanova 2016) اما در فرایند تاثیر بر شرایط اقتصادی کشور تحریم شونده، انعکاس آثار تحریم‌ها به نوع مزیت نسبی تولید کالا و خدمات در آن کشور بستگی مستقیم دارد. بر این اساس هر چه کشور هدف به کالای خاصی در تجارت بین‌الملل وابسته‌تر باشد، امکان تحریم آن کشور در آن بخش بیشتر خواهد بود (زهرانی، ۱۳۷۷). بنابراین هدف قراردادن منابع مالی حاصل از تولید و فروش کالا و خدمات کشور هدف می‌تواند در تحقق فشارهای بین‌المللی در افزایش امکان تمکین بین‌المللی کشور مورد نظر تاثیرگذار باشد. مبتنی بر این رویکرد است که می‌توان گفت در حقیقت تحریم، سلاحی اقتصادی در میدان مبارزه غیرنظامی است که دیپلماسی را از گفت‌وگو فراتر برده و در آن هنگام وارد عمل میدان می‌شود (ایلر، ۲۰۰۷). اعمال تحریم‌های اقتصادی بر نوع محدودیت‌های حاصل از آن استوار است. به طور کلی در فرایند تحریم‌های اقتصادی، ممنوعیت سفر به کشور هدف، مسدودسازی حساب‌های بانکی، اعمال محدودیت بر کالاهای وارداتی، عدم امکان دسترسی به منابع مالی مستقر در خارج از محدوده حاکمیت ملی کشور هدف و انزوای سیاسی و دیپلماتیک بین‌المللی اعمال می‌گردد. بر این اساس می‌توان گفت که تحریم‌های بین‌المللی مشروع گاه مبتنی بر فرض سختگیرانه بودن استوار است و گاهی بر فرض وارد آوردن فشار سیاسی جهت تهدید به اجرای وسیع‌تر تحریم‌ها در صورت پایداری کشور هدف در وضعیت مورد تاکید. اما در این جا باید بین تحریم‌های مشروع و تحریم‌های نامشروع (غیرقانونی) تمایز قائل شد. بر این اساس در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان تحریم‌های بین‌المللی را به تحریم‌های قانونی و تحریم‌های غیرقانونی تقسیم کرد. در این پژوهش مبنای نظری بحث بر تحریم‌های غیرقانونی استوار است زیرا در خصوص تحریم‌های صادره از سوی شورای امنیت سازمان ملل به عنوان دستورالعمل‌های عام الشمول در حقوق بین‌الملل که بایستی توسط تمامی نهادها و تابعان فعال حقوق بین‌الملل محترم شمرده شود، بحث یا تضاد نظر وجود ندارد. بر این اساس در ادامه به بررسی ماهیت و آثار تحریم‌های غیرقانونی می‌پردازیم.

۱-۲ معیار مشروعیت^۱

^۱ Legitimacy

ماهیت حقوقی و عدالت موجود در فرایند تحریم‌های اقتصادی بر اعمال فشار مشروع جهت تغییر رفتار یک دولت در عرصه مناسبات بین‌المللی تنظیم و تدوین گردیده است. رفتارهایی از قبیل: تجاوز، حمایت از تروریسم، دخالت در امور داخلی دولت‌ها و رفتارهای ناقض حقوق بشر. تحریم‌ها برای تغییر رفتار دولت‌ها تنظیم شده‌اند اما با اینحال، آنها به طور گسترده‌ای به عنوان ابزاری برای ایجاد تغییر رژیم یا حتی به عنوان مکمل جنگ مورد استفاده قرار گرفته‌اند. (Pomeranz, 2017, p 181_193)

وابستگی متقابل جهانی مرتبط با جریان کالا و خدمات، قدرت تحریم‌های اقتصادی را به میزان قابل توجهی افزایش داده و آنها را به یک سیاست بالقوه ویرانگر برای مردم کشور مورد نظر تبدیل کرده است. تحریم‌های اقتصادی، که اغلب برای رسیدگی به نقض حقوق مدنی و سیاسی کشورهای متخلف طراحی شده‌اند، در عوض حقوق اقتصادی و اجتماعی افرادی را که در کشور هدف زندگی می‌کنند تضعیف می‌کند. (Howlett, 2004, p1199_1200) بنابراین اصلی‌ترین مبنای فرایند وضع تحریم‌های بین‌المللی، تحقق مشروعیت در تنظیم و روش‌های اعمال آنهاست. بر این اساس آنچه که از طریق قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد با عنوان تحریم بر علیه دولت‌ها وضع می‌گردد به دلیل آنکه از فیلترهای حقوق اجتماعی و اقتصادی اشخاص حقیقی عبور می‌کنند، می‌توانند از مشروعیت نسبی بهره مند باشند. اما آنچه که در قالب عملکرد یکجانبه دولت‌ها بر علیه دیگر تابعان فعال حقوق بین‌الملل صورت می‌پذیرد به طور کامل فاقد مشروعیت می‌باشد. مبنای سنجش مشروعیت در اعمال تحریم‌ها از اصول حقوق بشری تاثیر می‌پذیرند. در تنظیم مبنای مشروعیت، قانده اساسی بر عناصر مندرج در حقوق بشر استوار است. از این رو می‌توان هرگونه تحریم‌های اقتصادی خارج از رویه شورای امنیت سازمان ملل متحد را به دلیل عدم مشروعیت و عدم مطابقت با اصول مورد احترام در حقوق بشر، نقض و رد نمود. نتیجه مسلم و مستقیم عدم مشروعیت، تحقق مسولیت بین‌المللی دولت‌هایی است که از طریق یکجانبه‌گرایی اقدام به اعمال تحریم‌های خارج از ساختار سازمان ملل متحد دارند. البته باید دانست که تحولات پس از جنگ سرد در حقوق بین‌الملل و ادغام اقتصادهای ملی به افزایش قدرت و اثربخشی تحریم‌های اقتصادی کمک کرده است (William H, 2007, p 869_868). به این ترتیب، تحریم‌های اقتصادی به یک ابزار سیاست مطلوب و محبوب در دوران پس از جنگ سرد تبدیل شد (Gordon, 1999, p387) اما در این دوران مبنای اعمال تحریم‌های بین‌المللی از مشروعیت یا عدم مشروعیت بهره نمی‌برد و اساساً هیچ معیاری برای تنظیم و تحلیل

تحریم‌های قانونی از تحریم‌های غیرقانونی وجود نداشته و این خود منجر به بروز تضاد در منافع مربوط به اعمال تحریم‌ها در عرصه مناسبات بین‌المللی گردید. اما با توسعه تجارت بین‌الملل در دوران پس از جنگ سرد بین جوامع اهمیت تضمین رعایت استانداردهای حقوق بشری در فرایند وضع تحریم‌های بین‌المللی جدی‌نگرفته شد تا حدی که حق بر غذا^۱ و حق بر سلامت^۲ در صدر اولویت‌های حقوق بشری هنگام وضع تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفت. دلیل آن هم این بوده است که تجارت بین‌الملل نقشی کلیدی در تحقق حق غذا و سلامت دارد. تجارت فرامرزی فرصت‌هایی را برای کاهش گرسنگی و فقر در بسیاری از کشورهای در حال توسعه فراهم می‌کند. به منظور دسترسی به غذای کافی و داروهای نجات بخش، لازم است که این کالاها از محل‌های تولید به محل مصرف منتقل شوند بنابراین صادرات این کالاهای اساسی از کشورهای تولید کننده به کشورهایی که آنها را مصرف می‌کنند عنصر اصلی در افزایش غذا و امنیت دارویی است ((World Food Summit, 1996) بر همین اساس وابستگی کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته به واردات مواد غذایی و دارو، محدودیت دسترسی به بازارهای بین‌المللی و جایجایی آزاد کالا و خدمات را به استراتژی موثری برای دولت تحریم کننده برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی خود با پیامدهای منفی قابل توجه تبدیل کرده است (Malhotra et al, 2003) بر این اساس معیار مشروعیت در فرایند وضع تحریم‌های اقتصادی بر اساس ظرفیت‌ها و نیازهای مربوط به تامین غذا و تضمین سلامت استوار است. معیار مشروعیت در قرن حاضر بر ضوابط جمعی جهانی تاکید دارد بدین معنی که اگر تحریم‌های اقتصادی بر زنجیره تامین غذا و دارو خللی وارد نماید، موجب تحقق مسولیت بین‌المللی نهاد یا دولت وضع کننده تحریم خواهد بود. ساختار تدابیر محدود کننده به تدریج از سکوت در قبال کالاهای بشردوستانه به سمت گنجاندن یک طرح خاص برای کالاهای بشردوستانه در مقررات تحریم‌ها حرکت کرد. معافیت صریح شورای امنیت سازمان ملل متحد برای حذف تجهیزات پزشکی و مواد غذایی هنگام تحریم جمهوری فدرال یوگسلاوی (صربستان و مونته‌نگرو) اعمال شد که این خود یکی از مهم‌ترین نمونه‌های اعمال معیار مشروعیت در فرایند وضع تحریم از سوی سازمان ملل متحد می‌باشد (d Garfield, et al, 1995, p 454_458)

¹ The right to food

² The right to health

حال با در نظر گرفتن ضرورت تضمین تحقق چرخه تامین غذا و دارو در زنجیره تجارت بین‌الملل متوجه می‌شویم که اگر تحریم مبتنی بر نقض امکان تولید و صادرات مواد غذایی و یا دارویی باشد دیگر مشروعیت خود را از دست داده و موجبات مسولیت بین‌المللی دولت را نه تنها در قبال کشور تحریم شونده بلکه در قبال جامعه جهانی تحقق خواهد یافت. این خود مقدمه‌ای است برای تحقق مفهوم تروریسم اقتصادی^۱ که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

۲-۲ مفهوم شناسی تروریسم اقتصادی

در راستای درک مفهوم تروریسم اقتصادی بهتر آن است که ابتدا برداشت جامعه بین‌الملل در خصوص مفهوم تروریسم را در نظر بگیریم. در خصوص تعریف یا تبیین مفهوم تروریسم رویکردهای مختلفی مطرح است که خود می‌تواند موضوع پژوهش‌های متعددی در این حوزه قرار بگیرد اما در این نوشته برای شناخت مفهوم تروریسم می‌توان به تعریف کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد اشاره کرد. آنجا که این نهاد در تعریف تروریسم معتقد است که: «تروریسم عبارت است از: هرگونه تهدید فردی یا گروهی علیه افراد، سازمان‌ها، مکان‌ها و وسایل حمل و نقل مورد حمایت بین‌المللی و گروگان‌گیری، چه در داخل و چه در خارج از سرزمین یک دولت.» (تهامی، ۱۳۸۶، ص ۴۸) با این حال به نظر می‌رسد که دقیق‌ترین تعریف از تروریسم مربوط به سومین کنفرانس یکسان‌سازی قوانین کیفری است که در شهر بروکسل برگزار گردید. این کنفرانس تروریسم را چنین تعریف کرده است که: «تروریسم عبارت است از هرگونه استفاده متعمدانه از وسایل ارتکاب اعمالی که زندگی افراد از هر کشور بahrنژاد و یا اموال و دارایی‌های آنها را از طریق ایجاد حریق یا انفجار یا غرق کردن یا پراکندن مواد زیان‌آور و گازهای خفه‌کننده به خطر اندازد و نیز اختلال در وسایل حمل و نقل و ارتباطات و مختل کردن خدمات و تاسیسات عمومی یا الوده کردن آبها و فراورده‌های کشاورزی و خوراکی می‌باشد.» (تهامی، ۱۳۸۶، ص ۴۹) بنابراین مبتنی بر برداشت مفهومی از تروریسم، می‌توان در بیان مفهوم تروریسم اقتصادی به اعمال فشار غیرقانونی به حیاط اجتماعی و اقتصادی مشروع کشور مورد نظر اشاره داشت. بر این اساس تروریسم اقتصادی به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که با استفاده از محرک‌های

¹ Economic Terrorism

غیرنظامی و غیرسیاسی جهت دستیابی به مقاصد و منافع سیاسی صورت می‌گیرد. انعکاس مفهوم تروریسم اقتصادی مبتنی بر تعاریف مشهور از این تروریسم، چالشی است که در دکترین حقوقی بین‌الملل همچنان پابرجاست. بنظر می‌رسد نمی‌توان مفهوم تروریسم اقتصادی را مبتنی بر ساختار حقوق بین‌الملل کیفری مورد استدلال قرار داد بر همین اساس می‌توان مفهوم تروریسم اقتصادی را در چهارچوب نهاد مسولیت بین‌المللی مورد شناسایی قرارداد. البته باید دانست که مفهوم تروریسم اقتصادی تنها شامل اعمال منتصب به دولت‌ها نمی‌شود بلکه اقدامات سازمان‌های بین‌المللی را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین بنظر می‌رسد که مفهوم تروریسم اقتصادی به وسیله نهاد مسولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قابل ارزیابی باشد. اما از طرف دیگر ارتباط نزدیک بین مفهوم تروریسم اقتصادی با یکجانبه‌گرایی اقتصادی دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی بر ماهیت شناسی این واژه تأثیرگذار است. بر این اساس مبتنی بر فرایند یکجانبه‌گرایی غیرمشروع، شرایط اقتصادی کشور هدف چنان تحت انزوا و محدودیت قرار می‌گیرد که بنیادهای اجتماعی دستخوش آشوب و بی‌ثباتی می‌شوند. بر این اساس در فرایند تروریسم اقتصادی برخلاف جنگ اقتصادی که توسط حکومت‌ها علیه سایر کشورها انجام می‌شود، تغییر و تبدیل شرایط اقتصادی توسط بازیگران فراملی و حتی غیردولتی انجام می‌شود. بر این اساس نباید مفهوم جنگ اقتصادی را با مفهوم تروریسم اقتصادی مساوی دانست. در هنگامه جنگ اقتصادی هردو طرف، درگیر رقابت‌های بی‌وقفه اقتصادی هستند به نحویکه هیچکدام از طرفین بر دیگری برتری نداشته باشد در حالیکه در حالت ترور اقتصادی، رفتار نامشروع از سوی یک طرف بر دیگری اعمال می‌شود. اصلی‌ترین مبنا در شناخت مفهوم ترور اقتصادی، معیار مشروعیت در اعمال تحریم‌های اقتصادی است. البته باید دانست که صرف اعمال تحریم‌های اقتصادی یک جانبه، صرف نظر از وجود تعهد دوجانبه یا چند جانبه، نقض تعهدی بر اساس قوانین حقوق بین‌المللی عمومی نخواهد بود. (Tzanakopoulos, 2019, p 135_139) بر این اساس از نظر حقوق بشر، وضعیت ایده آل این است که دولت‌ها از اعمال هرگونه اقدام یکجانبه که "مانع دستیابی کامل به توسعه اقتصادی و اجتماعی توسط جمعیت کشورهای آسیب دیده می‌شود" خودداری کنند. (Jazairy, 2019, p291) تلاش‌های اولیه محققان و نویسندگان حقوق بین‌الملل دارای این امر بوده است که مبنای شناخت یک عمل ضد حقوق بشری ولو در قامت یک واکنش بین‌المللی ناپیستی لباس مشروع به خود بپوشاند. آنها بر این باور بودند که آثار محاصره اقتصادی اعمال شده بر جمعیت با محاصره‌های

زمان جنگ بر اساس حقوق درگیری‌های مسلحانه قابل مقایسه است. این امر باعث شد برخی نویسندگان به دنبال شباهت‌هایی بین برخی اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی باشند که در شرایط درگیری‌های مسلحانه قابل اجرا است - مانند منع گرسنگی غیرنظامیان یا عبور رایگان مواد غذایی و دارویی ضروری، داخل در فرایند وضعیت تحریم‌های اقتصادی. (Gasser, 1991, p901) بر این اساس یک گام بزرگ در جهت محدودیت حقوق بشر در مورد تحریم‌های اقتصادی، به درخواست کمیسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد (CESR) به دولت‌ها برای جلوگیری از اعمال تحریم‌های غذایی و اقداماتی است که به طور مستقیم تولید یا عرضه آنها را محدود یا به خطر می‌اندازد. در این میان تضاد موجود بین تروریسم اقتصادی با جریان جهانی‌سازی اقتصاد قابل تامل است. انعکاس ضدیت بین نظم نوین بین‌المللی در ارتباط با تحریم‌های اقتصادی و ایجاد انزوا برای نهادهای قانونی بین‌المللی مانند دولت‌ها، امکان برهم زدن نظم اقتصادی نوین را فراهم آورده است. قانون تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی دارای ابعاد زیست فردگرایانه است که البته تا حد زیادی مورد مطالعه قرار نگرفته است (Dimitropoulos, 2021) زیست فردگرایانه در اقتصاد منجر به توسعه اقدامات قانونی و نظارتی جدیدی شده است که هدف آنها جایگزینی یا تکمیل حقوق بین‌المللی اقتصادی است (Petersmann, 2017, p416). بر این اساس آنچه که در تضاد با مفهوم زیست مشترک اقتصادی در عرصه حقوق و ضوابط اقتصاد بین‌الملل خود را نمایان می‌سازد اعمال تحریم‌های نامشروع مبتنی بر گرایش تروریسم در اقتصاد با هدف برهم زدن توازن اجتماعی و امنیتی در کشور هدف است. نمود بارز در تحقق مفهوم تروریسم هدفمند اقتصادی، فرایند یکجانبه‌گرایی در نظم اقتصادی موجود پیرامون حقوق بین‌الملل اقتصادی است. بنابراین برای تحقق مفهوم تروریسم اقتصادی، تحقق یکجانبه‌گرایی اقتصادی ضروری است. فرایند شناخت همگرایی بین‌المللی در گرو تضادهای عملی در عرصه بین‌المللی است. تحقق همگرایی در عرصه مناسبات بین‌المللی بستگی مستقیم به ایفای نقش بازیگران سیاسی در ساختار یکجانبه‌گرایی در حقوق بین‌الملل دارد. دقیقاً در همین نقطه است که تضاد میان مفهوم تروریسم اقتصادی به عنوان نمادی از یکجانبه‌گرایی در حقوق بین‌الملل نمایان می‌شود. یکجانبه‌گرایی اقتصادی مقدمه ورود به مفهوم تروریسم اقتصادی است بنابراین لازمه شناخت مفهوم تروریسم اقتصادی، شناخت مفهوم یکجانبه‌گرایی اقتصادی خواهد بود.

نتیجه گیری

با در نظر گرفتن مفهوم توسعه روابط تجاری بین‌المللی و افزایش روزافزون دولت‌ها و جوامع انسانی به یک دیگر، تحقق نظم نوین بین‌المللی اقتضا دارد که جامعه جهانی مبتنی بر اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و بهره‌مندی از همگرایی کارکردگرا اداره گردد. در این مسیر اما برخی از هنجارهای حقوقی بین‌الملل که مورد احترام جوامع بشری و دولت‌های متمدن می‌باشد به انحاء مختلف نقض و یا مورد تهدید قرار گرفته است. واکنش دولت‌ها و سازان‌های بین‌المللی اما از دو حالت خارج نمی‌باشد. بدین معنی که آنها یا می‌توانند از طریق روش‌های مشروع و قانونی به مانند آنچه که در فصل هفتم منشور ملل متحد معین گردیده است در برخورد و یا کنترل با دولت‌ها یا شخصیت‌های حقوقی بین‌المللی بهره ببرند و یا آنکه از روش‌های غیرقانونی و نامشروع برای اعمال فشار و یا محدودسازی دولت‌ها استفاده کنند. بدیهی است تحقق روش اول مبتنی بر نظم و هنجارهای قانونی بین‌المللی صورت پذیرفته و تحت عنوان قعطنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد به مرحله اجرا گذارده می‌شوند. در چنین حالتی قطعاً ضرورت‌های حقوق بشری و معاهده‌ای مد نظر قرار گرفته و از تحقق رویه و یا رویکردهای غیرانسانی و نامشروع پرهیز می‌شود. اما در این پژوهش که به صورت زمینه‌ای و بهره‌مندی از مطالعات کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است مشخص گردیده است آن هنگام که دولت‌ها مبتنی بر فرایند یکجانبه‌گرایی سیاسی و اقتصادی با هدف ایجاد آشوب در کشور و جوامع مقابل به اعمال تحریم‌های خودسرانه و ناعادلانه مبادرت می‌ورزند و سعی بر اعمال فشارهای غیرقانونی و سیاسی بر علیه حاکمیت ملی دیگر با هدف و برهم زدن نظم عمومی داخلی اعمال می‌نمایند، نوع جدیدی از تروریسم مبتنی بر نقض روش‌های مشروع اعمال فشار بین‌المللی را محقق ساخته‌اند که می‌توان از آن با عنوان تروریسم اقتصادی هدفمند یاد کرد. همچنین در این پژوهش مشخص گردید که در مسیر تحول مفهوم یکجانبه‌گرایی، به ویژه یکجانبه‌گرایی منافع ملی منجر به توجیه و توسعه مفهوم تروریسم اقتصادی شده است. آنجاکه مشخص شد دولت‌های قدرتمند اقتصادی با شعار حمایت و حفاظت از منافع ملی خود راه توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی را مصدود کرده و با اعمال تحریم‌های برون مرزی سعی در ایجاد تنش و تحول در داخل کشورهای هدف دارند. در این میان مهم‌ترین نتیجه یکجانبه‌گرایی منافع ملی، نقض معیار مشروعیت در اعمال تحریم‌های اقتصادی است که صلح طلبانه بودن و موثر واقع شدن آنها را جهت تضمین صلح و امنیت بین‌المللی را به شدت با

تردید همراه ساخته است زیرا اگر اعمال تحریم‌های اقتصادی را به عنوان یک روش غیرمخاصماتی و سرد جهت کنترل ناقضان حقوق و امنیت بین‌المللی در نظر بگیریم، تنها اعمال تحریم‌های قعطنامه‌ای شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند مشروعیت قانونی و حقوقی به هود بگیرد بر این اساس تحریم‌های یکجانبه دولت‌ها به دلیل عدم رعایت اصول حقوق بشری و اعمال روش‌های سیاسی و غیرحقوقی به تروریسم اقتصادی ختم گردیده و موجبات مسولیت بین‌المللی دولت‌های اعمال کننده را به همراه خود دارد. از طرف دیگر در این پژوهش مشخص گردید که اعمال استراتژی مناطق اقتصادی ویژه در حوزه روابط اقتصادی و تجارت بین‌الملل منجر به قطبگرایی در عرصه حقوق تجارت بین‌الملل گردیده به نحویکه دولت‌های قدرتمند اقتصادی با توسعه این استراتژی عملا در مسیر تروریسم اقتصادی و حذف رقبای تجاری خود از روشی شبه قانونی و توافقی بهره می‌برند. توسعه مناطق اقتصادی انحصاری منجر به ایجاد انحصار خارج از قواعد سازمان تجارت جهانی شده و آزادی تجارت را به شدت با تردید و تنش روبه رو ساخته است. اگرچه ایجاد و توسعه شبکه مناطق اقتصادی انحصاری در ظاهر مبتنی بر اصل آزادی اراده و توافق بنا شده است اما در عمل چیزی جز یکجانبه‌گرایی جمعی و یا فردی را به همراه نداشته و این به توسعه بحران‌های اقتصادی و سیاسی کشورها لطمه وارد کرده و اصل همگرایی بین‌المللی را با چالش جدی روبه رو ساخته است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که یکجانبه‌گرایی منافع ملی با نقض معیار مشروعیت در تحریم‌های یکجانبه دولت‌ها منجر به توسعه مفهوم تروریسم اقتصادی شده و این قطعاً مسولیت بین‌المللی دولت‌های اعمال کننده را به همراه دارد.

منابع

آجیلی، هادی و زهرا مبینی کشه (۱۳۹۲)، «تحریم نفتی ایران با تاکید بر تحریم نفتی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۲»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ن ۱۵، ۱۲۹-۹۹. تهامی، سید غلام رضا (۱۳۸۶)، تروریسم و حقوق بین‌الملل، تهران، اندیشه سازان نور، ص ۴۱. زهرانی، مصطفی (۱۳۷۷)، نظریه‌های تحریم اقتصادی، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.

خلیلیان اشکذری، محمدجمال (۱۳۹۵)، ثبات اقتصادی کشور در گرو تحقق اقتصاد مقاومتی. دوفصلنامه پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی.

دهقان منشادی، محمد: پور رحیم، پروین (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و رشد اقتصادی در ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۱(۶۷)، ۱۷۱-۱۹۲. سلمانی بیشک؛ محمدرضا، شاهویردی، امیر، دولت اباد، امیر، باستان، فرانک (۱۳۹۳)، بررسی اثرات درآمد مالیاتی و امنیت اقتصادی در ایران (رهیافت متقابل علیت در داده‌های سری زمانی)، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۲ (۷)، ۷۳-۹۰.

Joy Gordon (1999), Economic Sanctions, Just War Doctrine, and the "Fearful Spectacle of the Civilian Dead," 49 CROSSCURRENTS 387 (1999).

Amy Howlett (2004), Getting "Smart": Crafting Economic Sanctions That Respect All Human Rights, 73 FORDHAM L. REV. 1199, 1200.

Andrew TF Lang (2006), 'Reconstructing Embedded Liberalism: John Gerard Ruggie and Constructivist Approaches to the Study of the International Trade Regime', 9 (1) Journal of International Economic Law 81

Anne van Aaken, Chad P. Bown, and Andrew Lang (2019), 22 (4) Journal of International Economic

Antonios Tzanakopoulos (2019), State Responsibility For "Targeted Sanctions," 113 AM. J. INT'L L. UNBOUND, 135, 138.

But see Dimitropoulos, above n 7; Kathleen Claussen (2021), 'Trade Administration', 107 Virginia Law Review.

Cheraghali, A.M. (2013), "Impacts of International Sanctions on Iranian Pharmaceutical Market", DARU Journal of Pharmaceutical Sciences, 21(1), 64 [Internet] Available from: <http://www.darujps.com/content/21/1/64>. [cited 11.12.14].

- Christina L. Beharry and Melinda E. Kuritzky (2015). 'Going Green: Managing the Environment Through
- Ernst Ulrich Petersmann (2017), Multilevel Constitutionalism for Multilevel Governance of Public Goods—Methodology Problems in International Law, at 416;
- Eyler, R. (2007), Economic Sanctions International Policy and Political Economy at Work, Palgrave Macmillan.
- Garfield, R. (1999), "The Impact of Economic Sanctions on Health and Well-being", Relief and Rehabilitation Network Paper, 1-33.
- GIUMELLI, FRANCESCO (2011). Coercing, Constraining and Signalling: Explaining UN and EU Sanctions after the Cold War. Colchester: ECPR Press.
- Hans-Peter Gasser (1996), Collective Economic Sanctions and International Humanitarian Law—An Enforcement Measure Under the United Nations Charter and the Right of Civilians to Immunity: An Unavoidable Clash of Policy Goals?, 56 ZEITSCHRIFT FÜR AUSLÄNDISCHES ÖFFENTLICHES RECHT UND VÖLKERRECHT [ZAORV] 871, 901.
- Idriss Jazairy (2019), Unilateral Economic Sanctions, International Law, and Human Rights, 33 CARNEGIE COUNCIL FOR ETHICS IN INT'L AFFS. 291, 291.
- imposes tariffs or quotas on imports and foreign countries retaliate with similar forms of trade protectionism'. See also Kimberly Amadeo, 'Trade Wars and How They Affect You', The Balance, 25 September 2020.
- International Investment Arbitration', 30 American University International Law Review 383.
- James Crawford (2018), 'The Current Political Discourse Concerning International Law', 81 Modern Law Review; David S Grewal, 'Three Theses on the Current Crisis of International Liberalism', Indiana Journal of Global Legal Studies 595 (2018).
- John Gerard Ruggie (1982), 'International Regimes, Transactions, and Change: Embedded Liberalism in the Postwar Economic Order', 36 International Organization 379.
- Keller Easterling (2012), 'Zone: The Spatial Softwares of Extrastatecraft', Places Journal.
- Laura LaHaye (2020), 'Mercantilism', The Library of Economics and Liberty, Law (Special Issue on Trade Wars) 529. According to one account, '[a] trade war is when a nation
- Lenina Pomeranz (2017), Economic Sanctions as a Political Instrument in International Relations, 3 REVISTA TEMPO DO MUNDO 181, 193.
- Mary Lawson-Tancred (1960), 'The Anti-League and the Corn Law Crisis of 1846', 3 The Historical Journal 162
- MEYER, JEFFREY A (2009). "Second Thoughts on Secondary Sanctions." University of

- Pennsylvania Journal of International Law 30 (3): 905.
- Paul Bairoch and Susan Burke (1989), 'European trade policy, 1815–1914', in Peter Mathias and Sidney Pollard (eds), *The Cambridge Economic History of Europe from the Decline of the Roman Empire* (Cambridge: Cambridge University Press, 1989), 1–160, at 8.
- Rachel Harris and Gillian Moon (2015), 'GATT Article XX and Human Rights: What Do We Know from the First Twenty Years?', 16 *Melbourne Journal of International Law* 432.
- Richard Garfield, Julia Devin, & Joy Fausey (1995), *The Health Impact of Economic Sanctions*, 72 *BULLETIN OF THE NEW YORK ACADEMY OF MEDICINE* 454, 458–62.
- Robert Howse (2002), 'From Politics to Technocracy and Back Again: The Fate of the Multilateral Trading System', 96 *American Journal of International Law* 94, 113
- ROMANOVA, MARINA (2016). "Battered By Slowdown, Russian Economy May Go 'Gray'." *Russia Briefing*, June
- SCHNEIDER, FRIEDRICH, AND COLIN WILLIAM (2013), *The Shadow Economy*. London: Institute of Economic Affairs.
- See World Food Summit (1996), *Rome Declaration on World Food Security* ¶ 37 [hereinafter Rome Declaration].
- Simon Lester and Inu Manak (2020), 'A Proposal for a Committee on National Security at the WTO', 30 *Duke Journal of Comparative and International Law* 267.
- Susanne A. Frick et al. (2019), 'Toward Economically Dynamic Special Economic Zones in Emerging Countries', 95 *Economic Geography* 3; Proksch, above n 13, at 17
- Thomas Farole and Gokhan Akinci (2011), *Special Economic Zones: Progress, Emerging Challenges, and Future Directions* (Washington, DC: World Bank, 2011)
- William H. Kaempfer & Anton D. Lowenberg (2007), *The Political Economy of Economic Sanctions*, in 2 *HANDBOOK OF DEFENSE ECONOMICS* 868, 869 (Todd Sandler & Keith Hartley eds.) ("Historically, economic sanctions... were used by Napoleon in the Continental System commencing in 1806, by Thomas Jefferson in the Embargo Act of 1807, and by the League of Nations against Italy in 1935.
- María Cristina Grit'on Salias (2009), 'Part V: Substantive Investment Law, "Do Umbrella Clauses Apply to Unilateral Undertakings?"', in Christina Bender et al. (eds), *International Investment Law for the Twenty-First Century: Essays in Honour of Christoph Schreuer* (Oxford: Oxford University Press.
- Robert Jennings and Arthur Watts (1996), *Oppenheim's International Law* (Oxford: Oxford University Press,) vol. 1, t.2, at 1187–88

Eric Suy, *Les actes juridiques unilatéraux en droit international public* (Paris: Librairie générale de droit et de jurisprudence, 1962), at 33 and 44.

UN ILC, 'Guiding Principles Applicable to Unilateral Declarations of States Capable of Creating Legal Obligations', 58th Session (2006), at 369